

اشاره

در مطالعات اجتماعی شاید اولین چیزی که به ذهن بیاید و مورد سؤال قرار گیرد، این باشد که اصولاً منظور از «جامعه» چیست؟ و آیا آنچه به عنوان تعاریف مرسوم جامعه‌شناسی مطرح می‌شود، جامعه اسلامی و آرمانی را نیز می‌تواند در چارچوب خود بگنجاند و تعریف کند؟ به این منظور، ابتدا چند تعریف از جامعه را از آن دیدگاه عنوان می‌کنیم:

فیختر^۱ می‌گوید: «جامعه جمعی سازمان یافته است متشکل از افرادی که در سرزمینی مشترک زندگی می‌کنند، به صورت گروهی با یکدیگر در جهت ارضای نیازهای اساسی اجتماعی همکاری دارند، فرهنگ مشترک دارند و هر گروه به صورت واحد اجتماعی متمایز به کار می‌پردازند.» [ابرو، ۱۳۷۵: ۳۸۷].

جامعه‌شناس دیگری در تعریف جامعه چنین می‌گوید: «جمعیتی که قلمرو یکسانی را اشغال می‌کند و تابع نظام سیاسی یکسانی است و در فرهنگ مشترکی سهیم است» [ارابر تسون، ۱۳۷۴: ۴۲۲].

شهید مطهری (ره) می‌گوید:
جامعه ترکیب افراد است... ترکیب روح‌ها، اندیشه‌ها و عاطفه‌ها و خواسته‌ها و اراده‌ها، ترکیب فرهنگی نه ترکیب تن‌ها

شناخت جامعه و گروه‌های انسانی در قرآن

جامعه‌شناسی تطبیقی، تحلیلی سوره
بقره با تمرکز بر عنصر فرهنگی

عیسی چراغی، دبیر دینی و قرآن

و اندام‌ها... افراد انسان روحاً در یکدیگر ادغام می‌شوند و هویت روحی جدیدی که از آن به «روح جمعی» تعبیر می‌شود می‌یابند. اجزا در یکدیگر تأثیر و تأثر عینی دارند و موجب تغییر یکدیگر می‌گردند هر چند استقلال نسبی‌شان محفوظ است. [مطهری، ۱۳۷۵، مجموعه آثار، ج ۲].

در تعریف جامعه، از جمله سه تعریف بالا، معمولاً با چند ویژگی اساسی روبه‌رو هستیم.

۱. باید از یک جمع یا جمعیت منظم و سازمان یافته تشکیل شده باشد.

۲. باید قلمرو مشترک یا سرزمینی یا فرهنگی واحد داشته باشد.

۳. تابع نظام مشترکی از باورها، عقاید و یا نظامی سیاسی باشد که بتوان نام حکومت و یا مکتب بر آن نهاد و افراد بتوانند به وسیله آن، بسیاری از نیازهای مادی و معنوی (اجتماعی) خود را برآورده سازند.

۴. از گروه‌های متعارف تشکیل شده باشند که همه آن‌ها با یکدیگر ارتباط داشته باشند و تشکیل یک جامعه را بنا نهند.

۵. باید فرهنگ خاص را داشته باشد.

کلیدواژه‌ها: جامعه، گروه، فرهنگ، قرآن کریم، تقوا، شهید مطهری

ویژگی‌های پنجگانه در جامعه اسلامی

این ویژگی‌های پنجگانه، به‌طور محسوس در جامعه اسلامی نیز مشهود است: مسلمین با اطاعت از پیغمبر (ص)، جمعی منظم و سازمان یافته را شکل دادند. در آن زمان، قلمرو ایشان مدینه و قلمرو فرهنگی‌شان دین اسلام بود و در زمان‌های بعد، هر جایی که بانگ اذان به گوش می‌آمد، محدوده جامعه اسلامی شمرده می‌شد.

همه ایشان از شخص پیامبر (ص) یا جانشین او درآینده، اطاعت می‌کردند و تابع نظام سیاسی اسلامی بودند و به وسیله اطاعت‌پذیری، نیازهای اجتماعی (اعم از مادی و معنوی) خویش را برآورده می‌کردند.

گروه‌های متفاوتی در این جامعه زندگی می‌کردند که هر یک فرهنگ خاص خود را داشتند و آن‌ها به آیندگان خود انتقال دادند. البته جوامع و گروه‌های دیگر در کنار مسلمین، زندگی می‌کردند که به‌طور طبیعی تحت تأثیر فرهنگ خود بودند (مانند یهودیان) و اصولاً این جدایی و تمایز بین مردم که در قلمرو

جامعه اسلامی زندگی می‌کردند، از فرهنگ ایشان ناشی شده است. «فرهنگ، مجموعه به هم پیوسته‌ای از شیوه‌های تفکر، احساس و عمل است که کم‌وبیش مشخص است و توسط تعداد زیادی از افراد فرا گرفته می‌شود و بین آن‌ها مشترک و به دو شیوه عینی و نمادین به کار گرفته می‌شود تا این اشخاص را به یک جمع خاص و متمایز مبدل سازد» [روشه، ۱۳۷۴: ۱۲۳].

ویژگی‌های متفاوتی که قرآن برای دسته‌های مردم ذکر می‌کند، دقیقاً براساس ویژگی‌های فرهنگی ایشان استوار است و همین ویژگی‌ها سبب شده است تا عده‌ای مؤمن، عده‌ای منافق، عده‌ای زیان‌کار و... شناخته شوند. اما بسیاری از ویژگی‌های فرهنگی مسلمین آن زمان، حالت جوششی داشته و هیچ سابقه انتقال فرهنگی نداشته است، به‌طور نمونه، پرستش خدای واحد، اصلی‌ترین و بارزترین مشخصه فرهنگی هر مسلمان است.

گروه‌ها در سوره بقره

در سوره بقره، انسان‌ها به چهار دسته (گروه) عمده تقسیم شده‌اند [بقره/۲۶-۲۷] که هر یک با خصوصیات فرهنگی خود مشخص و از سایر گروه‌ها متمایز شده‌اند. هر یک از این گروه‌ها، درون خود دسته‌های کوچک‌تر (زیر گروه یا گروه فرعی) متعددی را می‌گنجاند که مشترکات فرهنگی دارند.

چهار گروه عمده مورد نظر قرآن عبارت‌اند از:

- پرهیزگاران (مؤمنان)
- کافران
- منافقان
- زیانکاران

اما جامعه الهی، مخصوص انسان‌های وارسته و پرهیزگار است و هر که در این گروه قرار نگیرد، ناگزیر در سه گروه دیگر قرار دارد. خداوند با بیان ویژگی‌های فرهنگی هر گروه، اساس تشخیص را برای شناسایی راه درست در نظر انسان آورده است.

ویژگی مشترک کافران

در معرفی «کافران»، صفات ایشان را چنین بیان می‌دارد [بقره/۷ و ۶]:

۱. ترساندن یا ترساندن کافران توسط پیامبر از عذاب آخرت، یکسان است.
۲. به واسطه قهر خدا، مهر بر دل‌ها، و پرده بر گوش‌هایشان است.



۳. حقایق و معارف الهی را فهم نمی‌کنند.

۴. در قیامت با عذابی سخت روبه‌رو می‌گردند.

البته باید توجه داشت که کفر، معانی متفاوتی به خود می‌گیرد، کافر مصداق متنوعی را در بر می‌گیرد و گاهی ممکن است به «زنانکار» کافر اطلاق شود.

کفر در کتاب خدا پنج صورت دارد [طباطبایی، ذیحجه ۷۷: ۶۴]:

کفر انکار خدا؛ کفر انکار حرف حق؛ کفر ترک دستورات خدا؛ کفر بیزاری جستن از نکویی‌ها؛ کفر نعمت.

ویژگی مشترک منافقان

هم چنین، «منافقان» را با این صفات معرفی می‌کند [بقره ۲۰/۸]:

۱. در برابر خدا و مؤمنان فریبکارند.

۲. به خاطر فریبکاری در سفاهت هستند.

۳. مریضی دل (مرض چهل دارند) که خدا بر آن بیفزاید.

۴. دروغگویند و عذاب دردناک دارند.

۵. فاسدند و خود از آن آگاهی ندارند.

۶. دو رو هستند (ریاکارند و ظاهر و باطن متفاوت دارند).

۷. دیگران را بی‌خرد می‌دانند، در حالی که در حقیقت خود بی‌خردند.

۸. مؤمنان را استهزا می‌کنند، در حالی که با این عمل مورد استهزای خدا هستند.

۹. در گمراهی قرار دارند و گمراهی را به راه راست ترجیح داده‌اند و به آن خاطر، خدا

نخواهد گذاشت که ایشان راه سعادت را ببینند. ۱۰. کر، کنگ و کورند و از ظلمت بر نمی‌گردند.

ویژگی مشترک زیانکاران

زیانکاران (فاسقان) در نظر خدا با چنین خصوصیتی مشخص شده‌اند [بقره ۲۷]:

۱. عهد خدا را پس از محکم بستن می‌شکنند.

۲. رشته‌ای را که به آن پیوند خورده‌اند، می‌گسلند.

۳. در زمین و میان اهل آن فساد می‌کنند.

تعمیم ویژگی‌ها صرف نظر از نژاد و...

این چهار دسته کلی، مختص قوم، نژاد یا ملیت خاصی نیست و می‌تواند شامل نژادها و قومیت‌های متفاوت انسانی شود. این خصوصیات را در اندرز به بنی اسرائیل نیز بیان کرد و ایشان

را در دسته‌های گفته شده قرار داده است [بقره ۷۴-۴۰]. سایر اهل کتاب را هم با چنین بیانی خطاب قرار داده است که: «آن گروه اهل کتاب که آیات واضحی را که برای خلق فرستادیم کتمان کردند و بعد از آن که برای هدایت مردم در کتاب بیان کردیم، پنهان داشتند، خدا و تمام جن و انس و ملک نیز آن‌ها را نیز لعن می‌کنند. آن کسانی که کافر شده و به عقیده کفر مردند، البته بر آن گروه خدا و همه فرشتگان و مردمان لعن می‌فرستند» [بقره ۱۶۱ و ۱۵۹].

این سه گروه، عملاً در مقابل گروه پرهیزگار قرار دارند و پیوسته با آن‌ها در تضاد و دشمنی‌اند و به عبارت دیگر، تشدید در جه و شدت دشمنی در این سه دسته نسبت به پرهیزگاران مشخص است.

جامعه پرهیزگاران

در برابر آن سه گروه، گروه پرهیزگار قرار دارد. گروهی که جامعه آرمانی الهی از وحدت و یگانگی و انسجام آنان به وجود می‌آید و خدا انسان را در این گروه می‌پسندد.

پرهیزگاران همان مؤمنان هستند. چه، انسان بدون پرهیز از محرمات و دوری از معاصی مؤمن نخواهد شد. همچنان که بدون ایمان، اعتقاد و التزام قلبی، پرهیزگاری بی‌مفهوم است.

واژه «پرهیزگار» به کلیه مسلمین

واقعی گفته می‌شود. این دسته بزرگ،

خود زیر مجموعه‌هایی دارد که در موارد

متعددی در سوره بقره از آن‌ها یاد می‌شود؛

همچنین نیکوکاران، مجاهدان، صابران و...

اما آنچه به عنوان مشخصه اصلی این دسته

مورد نظر است، در آیات آغازین سوره بقره

ذکر شده است [بقره ۵-۲]. این مشخصات

به‌طور خلاصه عبارت‌اند از:

۱. ایمان به جهان غیب دارند.

۲. نماز به پا می‌دارند.

۳. انفاق می‌کنند.

۴. نبوت و رسالت پیامبران را پذیرفته‌اند.

۵. یقین به آخرت دارند.

۶. به لطف خدا در راه راست هستند.

عنصر فرهنگی اهل تقوا

ویژگی‌های فرهنگی پرهیزگاران به‌طور واضح در آن آیات بیان شد، به‌طوری که عیناً می‌توان آن را بین دسته‌های انسانی

ویژگی‌های متفاوتی که قرآن برای دسته‌های مردم ذکر می‌کند، دقیقاً بر اساس ویژگی‌های فرهنگی ایشان استوار است و همین ویژگی‌ها سبب شده است تا عده‌ای مؤمن، عده‌ای منافق، عده‌ای زیانکار و... شناخته شوند

معین کرد. «ایمان به غیب و اقامه صلاة و پرداخت زکات، از صفات متقین است و از آن مشخص می‌شود که آخرین مرتبه کمال بشر، حصول مرتبه تقواست و تقوا منشأ تمام فضایل و سبب صعود به درجه ارجمند معرفت و شناسایی حق تعالی است» [امین، ۱۳۶۱: ۹۰].

به نظر می‌رسد، اسلام از معرفی پرهیزگاران هدفی دارد و آن، این است که می‌خواهد انسان‌های ایده‌آلی را در جامعه آرمانی پیرواند. سخن حضرت علی (ع) خود مؤید این امر است: «متقی کسی خواهد بود که اگر فرضاً تمام اعمال و افعال او را در طبقی نهند و اطراف دنیا بگردانند، چیز شرم‌آوری در آن دیده نشود». برخی از آیات قرآن همچون «ان اکرمکم عندالله اتقاکم: گرمی‌ترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست» نیز به نوعی دیگر بر این مورد تأکید دارد.

البته، منظور از تقوا و پرهیزگاری، گوشه‌نشینی و دور از اجتماع بودن، برای پیشگیری از احتمال به خطر افتادن نیست و چنین هدفی مدنظر نبوده است. «تقوا به این نیست که انسان انزوا و گوشه‌گیری انتخاب کند، بلکه باید در دل اجتماع باشد و اگر اجتماع آلوده بود، خود را حفظ کند» [مکارم شیرازی، ۸۰: ۶۲].

در قرآن، «تقوا» در معانی گوناگونی استعمال شده است و می‌توان به‌طور خلاصه وقتی «تقوا» عنوان شود، همه آن معانی را در نظر گرفت. چنانچه صدرالمآلهین گفته است [امین، ۱۳۶۱: ۸۵، ۸۴].

ایمان؛ ترس از خدا؛ توبه؛ طاعت و عبادت؛

ترک معصیت؛ اخلاص.

اصولاً متقی و پرهیزگار، به‌وسیله حصول تقوا به مراتبی دست می‌یابد که در آن مراتب آنچه انجام می‌دهد، مبین دست یافتن او به تقوا و در نتیجه مبرهن ساز پرهیزگاری اوست. «سرمایه کمالات و ترقیات انسانی و سعادت جاودانی تقواست، یعنی پرهیزگاری از آنچه موجب نقصان و انحطاط مراتب سعادت است و تقوا را سه مرتبه می‌باشد:

۱. نگاه‌داری نفس از عذاب به سبب تبری از شرک.

۲. تجنب و دوری از محرّمات و مناهی حتی صغایر.

۳. اجتناب بنده از آنچه دور کننده او باشد از خدا» [حسینی، ۱۳۶۳: ۵۲].

از مراتب تقوا می‌توان چنین نتیجه گرفت که «متقی

کسی است که:

۱. اطاعت کند و معصیت نکند. شکر کند و کفر نعمت نکند. به یاد خدا باشد، خدا را فراموش نکند.

۲. خود را از جمع معاصی باز دارد و پیرامون هیچ خلافی نگردد.

۳. در راه حق مجاهده کند، از اطاعت نهراسد و موقع خوف و امن، اعتدال را رعایت کند» [امین، ۶۱: ۱۸۱].

می‌توان در سطور فوق، معانی ششگانه‌ای را یافت که صدرالمآلهین برای تقوا نام برده و طبیعتاً پرهیزگار به آن صفات موصوف است. رفتار انسان ایده‌آل سورة بقره، مبتنی بر قرب الی‌الله است و او در این مسیر تمامی مرارت‌ها را بر خود هموار می‌کند. انسانی که برانده زندگی در جامعه آرمانی خداوندی است، لزوماً در عین حفظ فردیت خویش، خود را وقف و فدای جامعه الهی می‌کند. او به لحاظ انسان بودن، اختیار و قوه تفکر و اندیشه دارد و می‌تواند با فکر و آزادی، یکی از دو راه را که یکی نجات‌بخش و دیگری هلاک کننده است، انتخاب کند. اما برای نجات شرايطی است که انسان ایده‌آل (پرهیزگار) لزوماً برای کسب نجات از خویش می‌گذرد، زیرا نجات او بسته به نجات جمع است و نجات جمع در گرو اطاعت از خداوندی است که جامعه را بنیان نهاده و بر خیر و صلاح آن واقف است. انسان آرمانی در عین آن که دارای آزادی است، اما برحسب مصلحت‌نگری خویش در برابر حق تسلیم است و به آن ایمان دارد. «معیار ایمان و تسلیم در برابر حق، مواردی است که بر خلاف میل و هوای نفس انسان است

و گرنه هر هواپرست بی‌ایمان، نسبت به احکامی که مطابق میل و منافع اوست، هماهنگ و تسلیم است» [مکارم شیرازی، ذیحجه ۱۳۳۶: ۷۷]. به عبارت دیگر «اثر ایمان و تسلیم آن‌جا ظاهر می‌شود که قانونی بر ضد منافع شخصی انسان باشد و آن‌را محترم بشمارد، و گرنه عمل به دستورات الهی در آن‌جا که حافظ منافع انسان است، نه افتخار است و نه نشانه ایمان. لذا همیشه مؤمنان را از این طریق می‌توان شناخت» [همان، ۳۳۲].

تقوای اجتماعی فرابندی اجتماعی

در مراتب تقوا یک دوره «اجتماعی شدن» جامعه‌شناختی قابل تصور است. اجتماعی شدن «جریانی است که به واسطه آن شخص انسانی در طول حیات خویش تمامی عناصر اجتماعی- فرهنگی محیط خود را فرامی‌گیرد و درونی

کفر در کتاب خدا پنج

صورت دارد:

کفر انکار خدا؛ کفر انکار حرف

حق؛ کفر ترک دستورات خدا؛

کفر بیزاری جستن از نکویی‌ها؛

کفر نعمت



می‌سازد و با ساخت شخصیت خود تحت تأثیر تجارب و عوامل اجتماعی، معنادار یگانه می‌سازد و خود را با محیط اجتماعی که باید در آن زیست نماید، تطبیق دهد» [روشه‌گی، ۷۴: ۱۴۸].

در این شیوه جامعه‌پذیری، جامعه الهی - آرمانی اسلامی، «اصلاح» ابتدا از خود فرد شروع می‌شود و سپس اصلاح به جامعه مسلمین کشیده شده و بعد نتیجه نهایی آن در نزد

پروردگار و به عبارتی در تعامل با خداوند محسوس می‌شود. دوام و ثبات این اصلاح اجتماعی وابسته به افراد اعضای جامعه است و درجات متفاوت ثبات فردی است، زیرا «همه ماحصل و ثمره تجربه‌ها و روابط و تعامل‌های گروهی‌مان هستیم» [علاقه‌بند، ۱۳۷۶: ۲۸]. و

«هیچ فرهنگ و جامعه‌ای نمی‌تواند دوام آورد، مگر آن که افراد نسلی که جای نسل پیشین را می‌گیرد، آمادگی‌های لازم و کافی را برای مشارکت فعال در زندگی اجتماعی و فرهنگی کسب کند» [همان، ۱۳۲]. بنابراین اگرچه فضیلت ریشه‌ای درونی دارد، منتها بروز این فضیلت که پرهیزگاری فرد است، اجتماعی است و به عبارتی، ایمان فردی جلوه‌ای اجتماعی می‌یابد و آن‌گاه قابل انتقال به دیگران می‌شود تا جامعه الهی و آرمانی متشکل از گروه پرهیزگار ایجاد شود و دوام و بقا یابد.

پی‌نوشت‌ها

1. Fichter
2. socialization

منابع

۱. بیرو، آلن. فرهنگ علوم اجتماعی. ترجمه باقر ساروخانی. انتشارات کیهان. تهران. چاپ سوم. ۱۳۷۵.
۲. رابرتسون، یان. درآمدی بر جامعه. ترجمه حسین بهروان. انتشارات آستان قدس رضوی. مشهد. چاپ دوم. ۱۳۷۴.
۳. روشه، گی. مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی کنش اجتماعی. ترجمه هما زنجانی‌زاده. ج. ۱. انتشارات جهاد دانشگاهی. مشهد. چاپ سوم. ۱۳۷۴.
۴. طباطبایی، محمد حسین. تفسیر المیزان. ترجمه ناصر مکارم شیرازی. بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی. قم. ذیحجه ۷۷.
۵. امین، نصر. مخزن العرفان در تفسیر قرآن. ج. ۱. انتشارات نهضت زنان مسلمان. چاپ اول. ۱۳۶۱.
۶. مکارم شیرازی، ناصر. تفسیر نمونه. ج. ۱. قم. دارالکتب اسلامیة. قم. ۱۳۶۲.
۷. حسینی، حسین بن احمد. تفسیر اثنی عشری. ج. ۱. نشر میقات. قم. ۱۳۶۳.
۸. علاق‌بند، علی. جامعه‌شناسی آموزش و پرورش. نشر روان. تهران. چاپ نوزدهم. ۱۳۷۶.
۹. استاد شهید مرتضی مطهری، مجموعه آثار. ج. ۲. انتشارات صدرا. ۱۳۷۵.

اثرايمان وتسليم آن‌جا ظاهر می‌شود
که قانونی برضد منافع شخصی انسان
باشد و آن‌را محترم بشمارد، و گرنه عمل
به دستورات الهی در آن‌جا که حافظ
منافع انسان است، نه اقتضای است و نه
نشانه ایمان. لذا همیشه مؤمنان را از این
طریق می‌توان شناخت